

## بیانیه شورای اروپا درباره تحریم‌های ایران

شورای اروپا، روز دوشنبه، ۲۹ سپتامبر، اعلان رسمی آغاز روند اعمال دامنه تحریم‌های تعلیق‌شده به لطف به برجام را صادر کرد که در آن آمده است: امروز، شورا موافقت کرد که تعدادی از اقدامات محدودکننده در رابطه با فعالیت‌های اشاعه‌هسته‌ای ایران را که با اجرایی شدن طرح اقدام مشترک (برجام یا توافق هسته‌ای ایران) در سال ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآمده بودند، دوباره اعمال کند. این تصمیم پس از اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل متحد، پس از تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر عدم تمدید لغو تحریم‌ها علیه ایران، اتخاذ شد. این اتفاق پس از آن رخ داد که سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و بریتانیا) از مکانیسم «بازگشت سریع» پیش‌بینی‌شده در برجام استفاده کردند؛ اقداماتی که امروز دوباره اعمال می‌شوند، شامل مواردی است که از سال ۲۰۰۶ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد با قطعنامه‌های متوالی شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شده و به طور خودکار به قانون اتحادیه اروپا منتقل شده‌اندو همچنین اقدامات مستقل اتحادیه اروپا. این اقدامات مربوط به موارد زیر است:
► ممنوعیت سفر برای افراد، مسدود کردن دارایی‌ها برای افراد و نهاده‌ها و در راستای آن، ممنوعیت در دسترس قرار دادن وجوه یا منابع اقتصادی برای افراد تحریم‌شده اقتصادی و مالی ذکر شده، که بخش‌های تجاری، مالی و حمل و نقل را پوشش می‌دهد.
► علاوه بر ممنوعیت صادرات اسلحه‌به ایران و ممنوعیت انتقال هرگونه اقلام، مواد، کالا و فناوری که می‌توانند به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و برنامه‌های موشک‌های بالستیک ایران کمک کند، این اقدامات همچنین شامل ممنوعیت‌هایی در موارد زیر است:
► واردات، خرید و حمل و نقل نفت خام، گاز طبیعی، محصولات پتروشیمی و نفتی و خدمات مرتبط
► فروش یا عرضه تجهیزات کلیدی مورد استفاده در بخش انرژی
► فروش یا عرضه طلا، سایر فلزات گرانبها و الماس
► برخی تجهیزات دریایی
► ممنوعیت برخی نرم‌افزارها
► بخش مالی: اتحادیه اروپا در حال اعمال مجدد انسداد دارایی‌های بانک مرکزی ایران و بانک‌های تجاری بزرگ ایران است.
► بخش حمل‌ونقل: در نهایت، اتحادیه اروپا در حال بازگرداندن اقداماتی برای جلوگیری از دسترسی به پروازهای باری ایران به فرودگاه‌های اتحادیه اروپا و ممنوعیت نگهداری و خدمات هواپیمایهای باری یا کشتی‌های ایرانی حامل مواد یا کالاهای ممنوعه است.



### اقدامات تروئیکاغیر قانونی است

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در ایکس نوشت: «شکست شورای امنیت سازمان ملل در تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ بازتاب به اصطلاح «نظام مبتنی بر حکم» است که یک حاکم حکمی صادر کرد (دستور ریاستی شماره ۲ مورخ ۴ فوریه ۲۰۲۵) و سه طرف دیگر صرفاً دستور را اجرا کردند.» وی افزود: «با وجود این، این واقعیت که (علی‌رغم همه فشارهای وارده از ناحیه آمریکا و سه کشور اروپایی) ۶ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت از حمایت از بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده خودداری کردند، نشان‌دهنده شکاف واضح در شورا در خصوص این موضوع است؛ در واقع حدود نیمی از شورای امنیت به شمول دو عضو دائم باور ندارند که تحمیل مجدد تحریم‌ها علیه ایران قانونی، مشروع و موجه است.» بقایی ادامه داد: «اسو» استفاده سه کشور اروپایی از فرآیند حل اختلاف برجام نباید هیچ اثری بر این واقعیت حقوقی داشته باشد که قطعنامه ۲۲۳۱ باید طبق نص این قطعنامه در موعد مقرر یعنی ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شود.» وی تصریح کرد: «هرگونه تلاش برای احیای تحریم‌های خاتمه‌یافته باید باطل و بلااثر تلقی گردد.»

#### آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری تویوتا کرونا مدل ۱۹۷۹ رنگ نقره‌ای معمولی شماره موتور ۳۲۳۵۴۸۹۷۱ شماره شاسی ۶۱۴۳۲۰۰۰۸۳۵ TTI شماره پلاک ۳۲ ایران ۶۱۴ و ۲۲ به نام رضا تقی زاده مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

حکمرانی‌اش شوند. همچنین نگران برنامه‌های اسرائیل برای ضمیمه‌کردن بخش‌هایی از کرانه باختری هم هستند. هر گونه ضمیمه‌کردن این چنینی می‌تواند ثبات اردن را به هم بزند و این وضعیتی تحمل‌ناپذیر برای ریاض خواهد بود.

اساساً، نیاز اسرائیل به عمق راهبردی که رانه سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌اش است و نیز دامنه روبه‌گسترش عملیات نظامی‌اش، زنگ هشدار را برای عربستان سعودی و دیگر دولت‌های مهم عربی به صدا در آورده است. برای آن‌ها، حمله غیرمنتظره اسرائیل به قطر، بازی را عوض کرده است. اینکه ایالات متحده از این حملات فاصله گرفته، برای دول عرب حاشیه خلیج فارس نگران‌کننده‌تر هم هست، چه، آن‌ها برای تضمین امنیت‌شان به ایالات متحده متکی هستند و پیش از این هم نگران راهبرد کاهش حضور واشنگتن در صحنه جهانی بودند.

پس از حمله اسرائیل، دول عرب و ترکیه انگیزه بیشتری خواهند داشت که چینش امنیتی خودشان را تنظیم کنند. این قطعاً شامل هم‌راستایی بیشتری با ترکیه، مصر و حتی پاکستانی خواهد بود که سعودی‌ها و دول عرب حاشیه خلیج فارس، روابط نزدیکی با آن دارند. از بعضی جهات، این دقیقاً همان چیزی است که ایالات متحده می‌خواست؛ منتهی نسخه واشنگتن برای چارچوب امنیتی منطقه، شامل برقراری تعادل بین دول عرب، ترکیه و اسرائیل می‌شود.

با توجه به تضاد بین دغدغه‌های ضروری اسرائیل با دول عرب و ترکیه، راهبرد آمریکا در معرض خطر است. چالش تازه دولت ترامپ، برپایی قراری موقت بین اسرائیل با دول عرب و ترکیه است. بعد از این حمله، تحقق این هدف از آنچه بود هم بسیار سخت‌تر می‌شود.



#### دول عرب، گرچه از ضربه اسرائیل به ایران و نیروهای نیابتی‌اش خشنود

#### رشد قابل‌توجه ظرفیت‌های نمایش قدرت اسرائیل نگران شده‌اند.

#### ترکیه هم همین‌طور است، ترکیه‌ای که ماه‌هاست شاهد بوده نیروهای اسرائیل، منطقه حائلی در جنوب سوریه بر پا کرده‌اند که مدام وسیع‌تر می‌شود

و هم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اشاره کردند که در آستانه توافق هستند؛ اما بعد از حملات حماس، اسرائیل غزه را زیر ضرب گرفت و تلفات، ویرانی و آوارگی انبوه ایجاد کرد و البته حرکت عربستان سعودی به سمت عادی‌سازی را هم از مسیر خارج کرد.

اقدامات نظامی اسرائیل در کلیت منطقه، نتایج مثبتی هم برای دول عرب و ترکیه حاصل کرد؛ مثلاً اسرائیل رهبران حزب‌الله را از بین برد و این شرایط را برای شورشی‌های سوریه فراهم کرد تا بالاخره رژیم اسد را سرنگون کنند. جنگی ۱۲ روزه هم علیه ایران به راه انداخت که در طول آن، تأسیسات هسته‌ای ایران تخریب شدند. در نتیجه این اتفاقات، بیشتر نفوذ منطقه‌ای ایران از بین رفته و تضعیف شده. با به‌حاشیه‌رفتن تهران، ایالات متحده دوباره اولویت را به ایجاد معماری امنیتی تازه‌ای داده که بتواند بین اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی تعادل برقرار کند.

اما خنثی کردن ایران هزینه داشت: اسرائیل را در جایگاه نیروی نظامی ممتاز منطقه قرار داد که ظرفیت اقدام در سراسر منطقه را دارد. دول عرب، گرچه از ضربه اسرائیل به ایران و نیروهای نیابتی‌اش خشنود بودند، اما از رشد قابل‌توجه ظرفیت‌های نمایش قدرت اسرائیل نگران شده‌اند. ترکیه هم همین‌طور است، ترکیه‌ای که ماه‌هاست شاهد بوده نیروهای اسرائیل، منطقه حائلی در جنوب سوریه بر پا کرده‌اند که مدام وسیع‌تر می‌شود. حضور نظامی اسرائیل در سوریه و حمایتش از گروه‌های جدایی‌طلب دروزی، در جهت خلاف، تلاش‌های ترکیه را برای تحکیم رژیم تازه سوریه شدت بخشید.

در همین حال، سعودی‌ها که آن‌ها هم از رژیم نوپای سوریه حمایت می‌کنند، امیدوار بوده‌اند که واشنگتن بتواند جنگ اسرائیل و حماس را به پایان برساند تا بتوانند پیشگام تلاش‌ها برای بازسازی غزه و احیای

### ترامپ مستعد این هم هست که تحت تأثیر

#### قدرت اقناع دیگران

#### قرار گیرد. مواجهه‌ای

#### گیرا با سخنگویی

#### مناسب یا هرازگاهی

#### حتی یک خبر می‌تواند

#### نظرش را عوضی کند.

#### او خود را تقریباً در هر

#### داستانی، شخصیت

#### اصلی می‌بیند و از

#### این رو، علاقه بسیار

#### بیشتری دارد که با

#### دیگر بازیگران روی

#### صحنه تعامل کند،

#### تا اینکه در راهروهای

#### کاخ سفید حرف‌های

#### مشاورانش را، هر

#### خردی هم که داشته

#### باشند، بشنود

که از دهه ۱۹۸۰، به شکلی فزاینده اسلام‌گرا بوده‌اند و معمولاً تحت حمایت ایران.

مداخلات نظامی آمریکا در منطقه پس از ۱۱ سپتامبر، گروه‌های فراملی از قبیل القاعده و داعش را تا حد زیادی تخریب و نابود کرد. این در کنار قیام‌های «بهار عربی» ۲۰۱۱، به ایران و شبکه نیابتی‌اش اجازه داد به عنوان بازیگران اصلی در درگیری با اسرائیل ظاهر شوند. در همین حال، تهدید دوگانه اسلام‌گرایی سنی از یک سو و شیعه با حمایت ایران از سوی دیگر، نوعی هم‌راستایی منطقه‌ای بین ایالات متحده، اسرائیل و دول عرب ایجاد کرد.

در دوره اول ترامپ، واشنگتن به دنبال این بود که به این چینش در قالب پیمان‌های ابراهیمی رسمیت بخشد. امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش، با میانجیگری ایالات متحده، روابط خود را با اسرائیل عادی ساختند و به اردن و مصر، دیگر کشورهای عرب پیوستند. پیمان‌های ابراهیمی به عنوان وسیله‌ای دیده شد، در مقابل نفوذ نامتناسب ایران در جهان عرب. انتظار این بود که قوی‌ترین دولت عرب منطقه و بزرگترین تولیدکننده نفت خام، یعنی عربستان سعودی هم به این جمع خواهد پیوست. در همین حال، ترکیه نیز که در بهره‌برداری از قیام‌های بهار عربی جهت کسب سهم خودش از نفوذ در جهان عرب ناکام مانده بود، تصمیمی راهبردی گرفت که روابط خود را با دول عرب بهبود بخشد و تنش‌ها با اسرائیل را کاهش دهد.

بعد، حملات حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ از راه رسید که درگیری فعلی منطقه‌ای را کلید زد. این حملات تا حد زیادی با این هدف طراحی شده بودند که پروژه پیمان‌های ابراهیمی را خراب کنند. تصادفی نیست که فقط دو هفته پیش از این حملات، هم محمد بن‌سلمان، ولیعهد سعودی و حاکم دوفاکتوی عربستان

امنیت ملی، وزارت خارجه و نهادهای اطلاعاتی از واشنگتن بیرون ریخته شده‌اند و به مقاماتی مثل روبیو هم دو یا چند نقش تحویل شده، چون ترامپ احتمالاً به هر حال به حرف این مقامات رفته گوش نمی‌داد.

با توجه به تمایل ترامپ برای پس‌زدن هر موضع یا درسی که خودش به آن نرسیده‌باشد، مسئله این می‌شود که چطور می‌شود طی این منحنی یادگیری را تسریع کرد، پیش از آنکه آسیب جدی وارد شود. او باید شخصاً با سبک ناسازگار کیم و پوتین مواجه می‌شد تا بپذیرد که نمی‌تواند به‌راحتی به آن‌ها غلبه کند، با اینکه این موضوع به خوبی مستند شده بود. در حالت عادی، نشست‌های رهبران، به عنوان نقطه نهایی تلاش‌های گسترده دیپلماتیک و در جهت حصول توافق عمل می‌کند؛ اما شاید برعکس، برای کاخ سفید این نشست‌ها مر حله‌ای ضروری در مسیر آموزش تجربی سیاست خارجی برای رئیس‌جمهور باشند. نشست آلاسکا با پوتین، عمده‌تاً منجر به تقویت هم‌راستایی ترامپ با اوکراین و اروپا شد، نه آنطور که بسیاری از ناظران نگران بودند، تضعیفش کند. برای حامیان سیاست سالم و منطقی، شاید طی مسیر لازم‌برای رفع توهمات ترامپ، نمود گامی روبه‌جلو باشد.

ترامپ مستعد این هم هست که تحت تأثیر قدرت اقناع دیگران قرار گیرد. مواجهه‌ای گیرا با سخنگویی مناسب یا هرازگاهی حتی یک خبر می‌تواند نظرش را عوض کند. او خود را تقریباً در هر داستانی، شخصیت اصلی می‌بیند و از این رو، علاقه‌بسیار بیشتری دارد که با دیگر بازیگران روی صحنه تعامل کند، تا اینکه در راهروهای کاخ سفید حرف‌های مشاورانش را، هر خردی هم که داشته‌باشد، بشنود.

ترامپ زمان و تلاشی شخصی صرف آزادکردن شهروندان آمریکایی کرد که توسط حماس، روسیه یا دیگر نیروهای خارجی گروگان و اسیر شده بودند. به‌نظر می‌رسد این پرونده‌ها که گاهی روندشان شامل درخواست‌های مستقیم خانواده‌ها از خود ترامپ می‌شود، بیشتر از روایت‌هایی رنج‌های گسترده اورا تکان می‌دهند. اوایل این دوره‌اش، ترامپ مرکزیک را تهدید کرد ۲۵ درصد تعرفه علیهش اعمال کند. یک گفت‌وگوی مستقیم و دوفترة با رئیس‌جمهور کلادیا شین‌باوم منصرفش کرد. فرود ناگهانی نیم‌دوچین رهبر اروپایی به واشنگتن در اواسط اوت هم بازتابی از این درک بود: برای تأثیرگذاریتن روی ترامپ بعد از نشست با پوتین، رهبران اروپایی لازم داشتند حضوری با او گفت‌وگو کنند.

البته اتکاب‌به دیپلماسی فردی بهینه نیست، چون بوروکرات‌های باتجربه را کنار می‌زندو همه چیز را به بالاترین سطح محول می‌کند؛ اما با ترامپ ممکن است تنها راه روبه‌جلو باشد. علاوه‌بر درخواست‌های شخصی، تجربه‌های بی‌پادماندنی هم تأثیراتی ماندگار و دارای پیامد بر او دارند، به‌خصوص در مقایسه با مثلاً با جلسات بی‌رنگ‌و‌لعاب بروکسل. سفر ترامپ در ماه مه ۲۰۱۷ به خاورمیانه، شامل اولین سفر او به ریاض و توقفش پای دیوار ندیه اورشلیم[بیت‌المقدس] شد. نمایش پر جلوه این سفر، تأثیری عمیق بر او داشت. این لحظات، علاقه اورا به رابطه با عربستان سعودی تعمیق و تهدش را به اسرائیل تحکیم کرد. میانجی‌هایی که امید دارند بر ترامپ اثر بگذرانند، باید روش‌هایی در نظر بگیرند که آن چه را می‌خواهند او درک و فهم کند، به او نشان دهند، به جای این که بگویند.